[صد و سی و چهار]

> در اصل توسط **hosyn** نوشته شده است
> [illegible] : «**العوام للفعلیة أطوع و الخواص للقولیة أمیل**» [illegible].

نقل قول:

> اینکه اشتباه در بحث اعجاز رخ داده باشد، چنین نیست، عبارت معروف که به گمان از خواجه نصیر است که: «**العوام للفعلیة أطوع و الخواص للقولیة أمیل**» بیان مناسبی است، صبغه شخصی اعجاز، با صبغه اجتماعی تاریخی اعجاز، فرق میکند، همانگونه که وجه نفس الامری اعجاز با هر دو آنها فرق دارد.

تفکیک خیلی خوبی فرمودید

۱) صبغه شخصی اعجاز،

۲) صبغه اجتماعی تاریخی اعجاز،

۳) وجه نفس الامری اعجاز

و باز بخوبی توضیح دادید که بنده اولی را قبول دارم (و شما هم این را قبول دارید) ولی اصل بحث بحث بر سر دو مورد بعدی است.
به نظرم میرسد ادبیات قدما در بحث اعجاز را بتوان در دسته دوم قرار داد و مدل حضرتعالی (تدوین تکوین) را در بند سوم.

فعلا هرچه فکر می کنم به نظرم می رسد اگر بپذیریم وجه نفس الامری اعجاز همان تدوین تکوین است؛ این وجه را هیچ راهی برای اینکه در مقام اثبات بتوان به خصم نشان داد نمی یابم. یعنی فعلا به نظرم این گونه می رسد که در مقام محاجه با خصم، اگر از افرادی است که دنبال حقیقت است بر وجه شخصی اعجاز اصرار ورزید و خداوند حتما شخص را هدایت خواهد کرد؛ و اگر از افراد لجوج و کافر به معای دقیق و قرآنی کلمه است (کسی که زیر بار حق نمی رود و در یک کلام: **إِنّ َالَّذِين كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُون**) آنگاه باید سراغ وجوه تاریخی اجتماعی اعجاز برویم تا اثر کلام وی در جامعه را خنثی کنیم؛یعنی سخنی بگوییم که عرف عقلا با ما همراهی کند و جامعه (نه فقط شخص) قبول کند که این معجزه است.

آیا درست فهمیدم؟

و آیا برای اثبات وجه نفس الامری هم راهی هست؟

ضمنا اینکه فرمودید

> استدلال ریاضی به معنای خروجی صفر و یک با یقین مضاعف دو ارزشی، اصلا مربوط به حوزه اعجاز نیست، و اما استدلال ریاضی شامل حساب احتمالات و منطق فازی، پس در هر دو جهتی که فرمودید، اشکالی ندارد، بلکه استدلال ریاضی دو ارزشی هم اگر رمز اعجاز قرآن کریم را این بگیریم که تدوین نگاشتی تکوین است، معنا پیدا میکند، و هر چند استدلال ریاضی دو ارزشی در تدوین اخباری زبانی از تکوین هم محتمل است اما در تدوین نگاشتی، خیلی واضح است که تدوین تمام تکوین و نفس الامر، فقط از ناحیه خدای محیط بر همه امکان پذیر است و از غیر او محال است.

بله منظورم از ریاضی، یقین ریاضی دوارزشی بود نه حساب احتمالات؛ و قبول دارم اگر اثبات شود قرآن تدوین کل تکوین است به یقین ریاضی می توان نشان داد که آوردن مثلش محال است؛ اما این همان چیزی است که اگرچه در مقام ثبوت (یعنی پس از اینکه به لحاظ شخصی اعجاز قرآن در امور دیگر برای بنده اثبات شد) به دلیل خود قرآن و کلمات اهل بیت ع قبول دارم اما به لحاظ اثباتی راهی برای اثبات آن نمی‌بینم (البته ادعای محال نمی کنم و منتظرم شما این راهی که من نمی بینم را جلوی چشم بنده باز کنید[1])

---

[1] پست کاربر Hosein-

بازبینی #1
ایجاد شده 13 آوریل 2025 16:34:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 آوریل 2025 16:35:30 توسط ... .